



جستاری بر تبیین خوانش شیخ اشراق سهروردی از نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری در ایران باستان

محمد پرواز، عباس صالحی^۱، قاسم ترابی^۲

چکیده:

یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که از منظر مطالعات تاریخی، توجه قاطبه تحلیل‌گران را معطوف به خود نمود، ذکر این مسئله است که با توجه به غنی بودن تاریخ و فرهنگ ایران از گذشته تاکنون، سهروردی چگونه و با چه اصولی می‌خواهد از منابع فرهنگی و فکری ایران باستان بهره‌برداری نموده و این اصول را در قالب یک نظام اندیشه سیاسی منسجم و نوین تبیین و تحلیل نماید. سوال این است که تبیین سهروردی از اصول و ارزشهای نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری، چه تاثیری بر فهم ما از حکمرانی و عدالت در این نظام داشته است؟ بنظر می‌رسد که سهروردی با بهره‌گیری از مفهوم حکمت اشراقی، اصول و ارزشهای نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری را به گونه‌ای تبیین و تفسیر نموده که بر پایه آن، حکمرانی متوازن و عادلانه به عنوان یک اصل اصولی در سیاست معرفی شده است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی و با روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی (فیش برداری) طراحی و تدوین شده است. هدف از این پژوهش تبیین اندیشه سهروردی از نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری در ایران باستان می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که سهروردی با تلفیق حکمت اشراقی و میراث فرهنگی ایران باستان، توانسته است اصول بنیادین را در زمینه حکمرانی و عدالت تعریف نموده و به طور ویژه بر مبنای ارزشهای اخلاقی و معنوی استوار بماند.

واژگان اصلی: نظام اندیشه سیاسی، ایرانشهر، حکمت اشراق، سهروردی، حکمرانی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش (اندیشه سیاسی)، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

سرآغاز زندگی و تولد شیخ شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی (شیخ اشراق) در سال (۵۴۹ . ه . ق) از قریه (روستا، محل تولد ایشان) سهرورد واقع در شمال غرب ایران بوده است (Naser & Leaman, 2001: 434). در نظام فکری سهروردی ماهیت جزئی هر شی به عنوان هویت خارجی آن شناخته می شود، که با واقعیت عینی آن ارتباط تنگاتنگ دارد. به این ترتیب، تشخیص به طور خاص از طریق ماهیت خارجی شی محقق می شود و این ماهیت است که در دنیای خارج از خود، ویژگی ها و خصایص منحصر به فرد هر موجود را به وجود می آورد. به عبارت دیگر ماهیت خارجی، نه فقط به عنوان یک مفهومی ذهنی، بلکه به عنوان واقعیت عینی و مستقل، عامل اصلی تشخیص در اندیشه شیخ اشراق به شمار می رود (کریمی، ۱۴۰۴: ۷۱۱). سهروردی میان نظام اشراقی خود و حکمت ایران باستان، پیوندی ژرف برقرار کرده و سنت اندیشه کهن ایرانی را با سنت معنوی و حکمی دوره اسلامی مرتبط داده است. نکته جالب توجه در این سلسله معنوی، این است که در نگاه شیخ اشراق، متألهان فهلوی (کیومرث، فریدون و کی خسرو) همگی از شاهان آرمانی ایران باستان اند و حکمای دوره اسلامی از صوفیه اند (حلاج، بایزید، خرقانی و قصاب آملی). تأمل در این نکته اهمیت اندیشه شاهی آرمانی را در آیین سیاسی اشراقی نشان می دهد (بستانی، ۱۳۹۰: ۲۰). در منظومه حکمت اشراق نور نه تنها مفهومی استعاری یا رمزی بلکه حقیقتی هستی شناختی و معرفت بخش تلقی می شود که مبنای پیدایش و تفسیر ادراک نیز هست. این تلقی، نور را حقیقت قائم بالذاتی می داند که سلسله مراتب هستی و آگاهی براساس شدت یا ضعف آن تنظیم می شود؛ هرچه موجودی نورانی تر، بهره مندی آن از وجود و شعور نیز بیشتر. چنین پیوندی میان نور و ادراک، سبب می شود تا مراتب وجود، مستقیماً با مراتب ادراک متناظر باشند و به بیان دیگر، تمایز نوری در حکم تمایز وجودی فهمیده شود (زمانی، ۱۴۰۴: ۳۸۷).

سهروردی به عنوان یکی از نظریه پردازان و فیلسوفان برجسته اسلامی، در تلاش است تا ثابت کند که چگونه اصول عرفانی و فلسفی ایرانشهری می تواند به تبیین و تحلیل مفاهیم سیاسی همانند حکمرانی، عدالت، رابطه ی حاکم با مردم کمک نماید. حال مسئله ی پژوهش حاضر این است که با توجه به غنی بودن تاریخ و فرهنگ ایران، سهروردی چگونه و با چه اصولی می خواهد

¹: Saekh Shahabollden Yahea Ben Habash Ben Amirac Abollfotoh Suhrawardi (Shaekh eshrah)

از منابع فرهنگی و فکری ایران باستان بهره برداری نموده و این اصول را در قالب یک نظام اندیشه سیاسی منسجم و نوین تبیین و تحلیل نماید. فلذا این تفسیر می تواند با درک عمیق تری از تاثیر فلسفه و عرفان بر سیاست در تاریخ ایران کمک نموده و به تحلیل و تفسیر مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی معاصر بپردازد. سوال این است که تبیین سهروردی از اصول و ارزشهای نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری، چه تاثیری بر فهم ما از حکمرانی و عدالت در این نظام داشته است؟ بنظر می رسد که سهروردی با بهره گیری از مفهوم حکمت اشراقی، اصول و ارزشهای نظام اندیشه سیاسی ایرانشهری را به گونه ای تبیین تفسیر نموده که بر پایه آن، حکمرانی متوازن و عادلانه به عنوان یک اصل اصولی در سیاست معرفی شده است. فلذا این تبیین نه تنها به فهم عمیق تری از عدالت در حکمرانی مورد نظر به ما کمک می کند، بلکه به عنوان الگویی برای حل و فصل چالشها و موانع سیاسی معاصر نیز موثر است.

مبانی نظری

- ادبیات و پیشینه: بعد از بررسی و تحلیل ادبیات موجود (داخلی و خارجی) در زمینه موضوع مورد نظر، به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه ی بحث چند اثر را که با موضوع مورد نظر دارای سنخیت بیشتری هستند، به صورت مختصر تحلیل می نماییم:

محقق / محققین	عنوان پژوهش	شرح، یافته ها، نتایج
زمانی (۱۴۰۴)	از ساحت نور تا سپهر پدیدار؛ رهیافتی تحلیلی در بنیان های ادراک در سهروردی و هرسول.	یافته ها و نتایج این پژوهش نشان می دهند که نور در فلسفه سهروردی و قصدیت در پدیدارشناسی، هر دو نقش واسطه در فرآیند ظهور را ایفا می کنند؛ بنابراین، نتیجه آن است که شناخت راستین در هر دو نظام، حاصل حضور شهودی حقیقت در آگاهی است، نه محصول صرف تحلیل مفهومی.
کریمی (۱۴۰۴)	سازگاری ملاک تشخیص در اندیشه ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا.	یافته ها موید این مطلب است که ملاک تشخیص عدم تفکیک و خلط میان ذهن و عین در میان فلاسفه مشائی است که شیخ اشراق با عنایت به این مساله در صدد پاسخی متقن به پرسش از ملاک تشخیص موجودات بوده است. بعد از مرحوم شیخ اشراق فیلسوفان دیگر من جمله ملاصدرا از این تفکیک استفاده کرده و پاسخهای دیگری به این مساله داده اند که بدون شک به واسطه این تفکیک بوده است. بعد از بررسی ملاک تشخیص در اندیشه فلاسفه مذکور، در نهایت نگارنده به یک سازگاری در باب ملاک تشخیص در

<p>اندیشه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا دست یافته است.</p> <p>یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهند که فلسفه تاریخ ایران‌شهری را می‌توان به چهار بخش سرآغاز هستی، موتور محرکه تاریخ، سیر تاریخ و پایان تاریخ تقسیم کرد و مورد تحلیل قرار داد. نزاع در ازل از جدال هورمز و اهریمن آغاز گشته، در سطوح مختلف تاریخ تجلی می‌یابد و در سیاست زمینی نیز در همین چارچوب شکل می‌گیرد.</p>	<p>نسبت فلسفه تاریخ و سیاست در اندیشه ایران‌شهری.</p>	<p>سلطانی و مسرور (۱۴۰۳)</p>
<p>نتایج و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوران اسلامی به اشکال گوناگون بازتولید شده است و هر یک برداشت خاص خود را از مفهوم «خدای الهی» ارائه کرده‌اند. براساس نتایج تحقیق حاضر، پنج روایت فره ایزدی در تمدن اسلامی عبارتند از: حماسه، روایت فلسفی، نصایح روایی، روایت عرفانی و روایت نورانی.</p>	<p>زمینه‌های موثر بر نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سهروردی.</p>	<p>احمدی طباطبایی و موسوی نیا (۱۳۹۹)</p>
<p>یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهند که ایرانیان باستان تلاش می‌کردند در یک دستگاه فکری و فلسفی کلان و با تکیه بر اصول آن، شایستگان را به حکومت بگمارند، حکومت را به سوی عدالت سوق دهند، و از استبداد و ظلم حاکمان جلوگیری کنند. این اصول عبارتند از: تقسیم هستی به گیتی و مینو، نظریه حکیم حاکمی، فره ایزدی، فر‌کیانی، و رد نظریه تغلب. بخش عمده مباحث، بر مبنای اندیشه‌های سهروردی، فیلسوف بزرگ و بنیانگذار مکتب فلسفی اشراق تبیین شده است.</p>	<p>حکمت سیاسی در ایران باستان بر مبنای خوانش سهروردی.</p>	<p>علیخانی (۱۳۹۷)</p>
<p>یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهند که اندیشه شاهی آرمانی را می‌توان از کهن‌ترین اندیشه‌های سیاسی در ایران دانست. تکیه بر پادشاه و ویژگی‌های او همواره در کانون تمامی اندیشه سیاسی ایران‌شهری وجود داشته است. در این آموزه کهن، پادشاه باید دارای فره ایزدی و شماری دیگر از ویژگی‌های بایسته باشد و چنین شاهی، اساس و شالوده حکومت آرمانی را تشکیل می‌دهد. سهروردی به مثابه یکی از مهمترین نمایندگان اندیشه ایران‌شهری در دوره اسلامی به عرضه تفسیری نوین از نظریه شاهی آرمانی پرداخت.</p>	<p>سهروردی و اندرزنامه نویسی اشراقی.</p>	<p>بستانی (۱۳۹۴)</p>

موتمنی (۲۰۱۴)	فلسفه ایرانی دین و تاریخ اندیشه سیاسی.	یافته ها نشان می دهند که در واقع وی می خواهد تغییراتی که احیاناً به واسطه آیین زرتشت در باب ایده تاریخ در فلسفه اروپا ظاهر می شود را بررسی کند.
---------------	---	---

با بررسی ادبیات موجود در زمینه موضوع مورد نظر و تحلیل چند مورد از این پژوهش ها بصورت خلاصه در می یابیم که با عنایت به تحولی که سهروردی در حکمت خسروانی و اندیشه ایرانشهری ایجاد کرده، به اندیشه سیاسی شیخ اشراق می پردازیم و به ویژه مقام او را در اندیشه شاه آرمانی دارای فره ایزدی - که رکن اساسی اندیشه سیاسی ایرانشهری است، را برجسته می کنیم. در طرح اشراقی گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی، اندیشه شاهي آرمانی نیز تحول یافته و عناصر اساسی آن در ساحت وجودی جدیدی که به دست سهروردی تدارک دیده شد از نو طرحی گردند و حال و هوای دیگری می یابند. بنابراین سهروردی نظامی از حکمت بنیان نهاد که بر نقد نگرش یونانی و مشایی مبتنی بود و مفهوم کنونی آن را می توان «نور» دانست. علم الانوار شیخ اشراق زمینه را برای غلبه بر پاره‌ای از معضلات معرفتی و وجودی که حکمای پیشین با آن مواجه بودند، مهیا ساخت. تأکید شیخ اشراق بر شهود را می توان به ویژه در مباحث وی در باب (حدس) و تأله جست و جو کرد؛ مفاهیمی که مبنای اندیشه سیاسی وی نیز بودند. از نظر شیخ اشراق تنها حکیمی که به مقام تأله رسیده است، یعنی در حکمت ذوقی، به بالاترین مدارج دست یافته، صلاحیت حکومت بر مردمان را دارد و زمانه در ذیل حکومت چنین حکیمی نورانی واحد شد. شاه آرمانی در حکمت اشراقی، حکیمی است که بیشترین پیوند را با عوالم برتر دارد و خلیفه خداوند بر زمین است. اما جنبه ی نوآوری پژوهش حاضر در این است که علاوه بر تکمیل پژوهش های قبلی و ذکر شده در این حوزه، نگارنده با تحلیل موضوع مورد بحث بر مبنای چارچوب نظری اندیشه نظام سیاسی ایرانشهری (تلفیق فلسفه سیاسی فارابی، سیاست نامه نویسی خواجه نظام الملک و حکمت اشراق سهروردی) و متغیرهای آن‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار دهد.

- مفهوم شناسی واژگان:

- **اندیشه سیاسی (فلسفه):** اندیشه سیاسی سامانی فکری است که به چگونگی تولید قدرت در جامعه می پردازد. اندیشه سیاسی از ایدئولوژی عقلانی تر و با انعطاف تر است و البته نسبت به یک نظریه سیاسی استوارتر، مستدل تر، پخته تر و واقع بینانه تر می باشد (Motameni, 2014: 37).

¹ : Motameni

جوانه های اندیشه سیاسی از نیاز های جامعه بر می خیزد و در راستای گشودن چالشهای آن، سامان می گیرد. فلسفه و اندیشه تاریخ درک انسان از روند زمان از گذشته تا آینده است. به سخن دقیق تر فلسفه تاریخ درک ما از کنش زمان است. اگر فلسفه زندگی معنای فرد انسانی را معین می کند، فلسفه تاریخ مشخص کننده معنای کلی حاکم بر جامعه است. اساسا ما تاریخ را در بستر فلسفه تاریخ درک می کنیم و هر سبک تاریخ نگاری در عمق خود بیانگر روح یک فلسفه تاریخ است (سلطانی و مسرور، ۱۴۰۳: ۱۲۷).

- **ایران شهر (ایران شهری):** این واژه نخستین بار در سنگ نوشته کعبه زرتشت یا پاسارگاد به وسیله شاپور اول بکار رفته است. کردیر موبد بلند پایه زرتشتی در عصر ساسانی با نگرشی زرتشتی مآبانه رنگی جغرافیایی بدان می دهد و حدود ایران شهر را شامل کشورهای ایران، عراق، افغانستان، پاکستان و همچنین بخش هایی از قفقاز معرفی می کند. اما در واقع سرزمین اصلی دین زرتشتی منطقه شرقی ایران امروز و افغانستان بوده است (Baharucha, 1893: 2). اندیشه ایران شهری دارای دو بعد زمان خطی و دوری است. زمان خطی تغییر را ممکن می سازد و زمان دوری معنا را از فراسوی تغییر زنده نگاه می دارد. هم افقی با «لحظات برتر» جهان است که معنا را قدرت می بخشد و انسان را در بی زمانی تثبیت می کند (سلطانی و مسرور، ۱۴۰۳: ۱۳۳). از آنچه که در متون پهلوی و به ویژه متن هایی نظیر «گزیده های زادسپرم» بر می آید، آغاز هستی در اندیشه ایران شهری کمتر تحت تأثیر گاتها و بیشتر منطبق با اندیشه های زروانی است. کریبروک نیز معتقد است که عناصر پیشاپهلوی در این بخش از متون زرتشتی راه یافته اند (König, 2020: 219). در اندیشه سیاسی ایران شهری شاهنشاه یا شهریار قانون گذار نبود بلکه از قانون (داد) پدافند می نمود. در اصل شهریار از عرف جامعه که خود این عرف هم تأثیر گرفته از اخلاق مدنی و آیین های ملی می باشد، پاسداری می کند و در راستای آن فرمان می راند. فلذا در اندیشه ایران شهری فلسفه تاریخ مبنای حاکم بر سایر اصول اندیشگانی است و سامان تمامی حوزه های حیات سیاسی و اجتماعی متأثر از آن است (سلطانی و مسرور، ۱۴۰۳: ۱۲۶).

- **سهرودی (شیخ اشراق):** زندگی شیخ اشراق سهرودی در سال (۵۴۹ ه. ق) از قریه سهرورد واقع در شمال غرب ایران آغاز می شود (Naser & Leaman, ۱۴۰۳: ۱۲۶).

2001:434). به طور کلی آثاری که از شیخ اشراق به دست رسیده است، نوشته های کوتاه و بلندی است که به سبک های مختلف فلسفی، داستانی و عرفانی، به رشته تحریر در آمده است که در چند دهه اخیر، به شکل جدیدی در چهار جلد به چاپ رسیده و همچنین در طول این سالها شروح متعددی بر این کتابها در قالب کتاب و مقاله توسط افرادی نظیر دکتر داوری اردکانی، دکتر نصر، پروفیسور هانزی کربن و دکتر دینانی نوشته شده است. آنچه از دوران فلسفه در یونان باستان، مورد تأیید و تأکید سهروردی است، دوران پیش از ارسطو می باشد که به عقیده وی، دوران حکمت ذوقی و مشرقی است. وی اعتقاد دارد که با ظهور شیوه استدلالی ارسطو، حکمت شرقی رو به افول رفته و فلسفه مغربی مشاء، جایگزین آن شده است. سهروردی به عنوان یک مسلمان که برخی او را از پیروان مکتب تشیع دانسته اند، در بیان اندیشه های خود، تحت تأثیر نگاه های اسلامی نیز بوده است. به عقیده دکتر داوری اردکانی سهروردی در عالم اسلام جزو اولین فیلسوفانی است که به آیات و روایات استناد کرده است یا درست تر بگوییم پیش از او کسی با این ظرافت و نکته سنجی فیلسوفانه به آنها استناد نکرده است (احمدی طباطبایی و موسوی نیا، ۱۳۹۹: ۱۵۰ - ۱۴۵).

- حکمت اشراق: حکمت یک مفهوم قرآنی است و پیش از آن نیز در ایران باستان وجود داشته است. برخلاف فلسفه سیاسی که بیشتر جنبه نظری دارد، حکمت سیاسی، دارای دو جنبه نظری و عملی است. بنا بر دیدگاه سهروردی که مبانی فلسفه خود را از ایران باستان گرفته است، حق ریاست و حکومت با فیلسوف و حکیم نوع اول است و اگر چنین شخصی وجود نداشته باشد، به ترتیب نوبت به نوع دوم و سوم می رسد و آنان خلیفه خدا بر روی زمین هستند، اما حکیم و فیلسوف نوع چهارم حق حاکمیت و شهریاری ندارد (علیخانی، ۱۳۹۷: ۱۴۶). برخی مفسران معاصر مانند البریج و ضیایی بر این تأکید دارند که نور در فلسفه اشراق سهروردی همزمان معادل وجود و ادراک است؛ وحدتی که تمایز میان هستی شناسی و معرفت شناسی را در هم می ریزد. این نگرش، سهروردی را از جریان مشائی و به ویژه از ابن سینا، متمایز می سازد؛ چرا که در سنت مشاء، ادراک واسطه مند و مفهومی و علم امری حصولی و ذهنی تلقی می شد (Gutas, 2014: 216). چنانچه سهروردی در مقدمه حکمه الإشراق تأکید دارد، عصر حاکمیت حکیم الهی، عصر نور و فقدان چنین فردی، عصر ظلمت نام دارد. با این حال، این نکته به معنای ضرورت جمع گرایی در اندیشه اشراقی نیست (احمدی طباطبایی و موسوی نیا،

۱۳۹۹: ۱۵۵). از منظر ساختارهای تحلیلی نوین، می‌توان گفت نور به مثابه حقیقت نخستین، مرکز ثقل تمام اشکال آگاهی در نظام سهروردی است؛ چنان‌که ضیایی این حقیقت را مبنای تبیین سایر مراتب معرفت معرفی می‌کند و معرفت را نه بازتاب بلکه تجلی نور در ساحت‌های پایین‌تر هستی می‌فهمد (Zizi, 2004: 37). در دستگاه معرفت‌شناسی حکمت اشراق، علم حضوری شالوده‌های بنیادی برای فهم حقیقی از ادراک است؛ نوعی شناخت که در آن، تمایز میان آگاه و مورد ادراک به واسطه پیوند وجودی میان آن دو، برچیده می‌شود. برخلاف شناخت حصولی که از طریق مفاهیم و بازنمایی‌های ذهنی صورت می‌گیرد، در علم حضوری، حقیقت معلوم در ذات عالم به گونه‌ای بی‌میانجی و مستقیم حضور می‌یابد؛ نه از رهگذر نشانه‌های مفهومی بلکه با انکشاف وجودی و شهودی (Suhrawardi, 1993: 145). فلذا معرفت حقیقی حاصل اشراق نور بر قلب، نه گردش مفاهیم در ذهن. علم حضوری درخشش حقیقت در ژرفای هستی آگاه است که معرفت را به تجربه‌ای وجودی بدل می‌سازد، نه صرفاً شناختی انتزاعی (Kalin, 2010: 106). اجسام ظلمانی یا انوار ظلیه، به سبب کمترین میزان نور، از ادراکی مقید برخوردارند که تنها در سایه تجلی انوار برتر شکوفا می‌شود (Zizi, 2020: 58).

- چارچوب نظری:

- فلسفه و اندیشه نظام سیاسی ایران‌شهری: اندیشه سیاسی ایرانیان باستان را مانند اندیشه دیگر مردمان دنیای قدیم، می‌توان از اسطوره‌های حماسه‌ها، کتابها و باورهای دینی و نیز سنگ‌نبشته‌های آنان دریافت. فلسفه سیاسی فارابی، جریان سیاست‌نامه‌نویسی و نیز حکمت اشراق سهروردی، هر چند تفاوتی با هم دارند، در تداوم اندیشه ایران‌شهری به هم نزدیک شده‌اند. در واقع در هر کدام از این قالب‌های فکری و جوهی از تئوری شاهی آرمانی پس از ظهور اسلام تداوم تاریخی یافته است.

الف: فلسفه سیاسی (فارابی): یکی از مهمترین گونه‌های سنت سیاسی ایران فلسفه سیاسی است که ابونصر محمد فارابی آن را در جهان اسلام بنا نهاده است. در واقع فلسفه سیاسی فرآیندی است که در حوزه تمدن اسلامی با فارابی آغاز شده است تاریخ‌نویسان فلسفه او را به اعتبار اینکه به فلسفه یونانی در تمدن اسلامی بسطی داد، به درستی، مؤسس فلسفه در دوره اسلامی خوانده‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). فارابی نیز مانند افلاطون و ارسطو معتقد است فلسفه معطوف به حقیقت

نابی است که اساس خلقت را بیان می‌کند. فارابی از سویی به نظریه شاهی آرمانی اندیشه سیاق ایران شهری نزدیک می‌شود، و از سوی دیگر، نظریه نبوت را در بحث خود وارد می‌کند. درباره نظریه شاهی آرمانی فارابی نیز باید گفت که منظور فارابی از پادشاه در نزد قدما در رساله سیاست مدینه، در وحدت آن با انسانی که به او وحی می‌شود، جمع میان شاهی آرمانی در اندیشه سیاسی ایران شهری و دریافت فلسفی نبوت در اندیشه دوره اسلامی است. جمع میان شاهی آرمانی اندیشه سیاسی ایران شهری که در آن، پادشاه دین دار، دارای مقام خلافت الهی و مرتبه ظل الهی است با درک فلسفی نبوت و امامت، ملازمت دارد و با تکیه بر این دریافت می‌باشد که فارابی دایره نبوت را بسته نمی‌داند. علاوه بر آن فارابی، در تحلیل مدینه‌های ضاله، بی‌آنکه مانند افلاطون به تحلیل واقعیت سیاسی و اجتماعی ساختار درونی نظامها پرداخته باشد، به اندیشه سیاسی ایران شهری نزدیک شده و کانون تحلیل خود را رأس هرم اجتماعی یعنی رئیس اول مدینه قرار داده است که از بسیاری جهات با اندیشه شاهی آرمانی ایران شهری سازگاری دارد (قادری، ۱۳۸۲: ۲-۱۴۱).

بنابراین در جمع بندی این بحث می‌توان گفت که شاه آرمانی از آنجا که دارای فره ایزدی است، در نوشته‌های ایران شهری بعنوان انسانی خداگونه نماینده و برگزیده خدا بر روی زمین فهمیده شده و از این حیث با رئیس اول مدینه فاضله فارابی که تبع اندیشه نوافلاطونی و تفسیرهای مسیحی نوشته‌های افلاطون علت موجهه و مبقیه مدینه فاضله است، از یک سنخ است.

ب: سیاست نامه نویسی (خواجه نظام الملک طوسی): سیاست نامه نویسی شاخه مهمی از اندیشه سیاسی در ایران است که پیوندی آشکار با نظریه شاهی آرمانی، یعنی یکی از اجزای اصلی جهان شناسی کهن ایرانی دارد. یکی از مشهورترین سیاست نامه‌ها را خواجه نظام الملک طوسی، وزیر بزرگ سلجوقی نوشته است. محور تحلیل سیاسی در سیاست نامه خواجه نظام الملک، شاه است. پادشاه مفروض خواجه قدرت خود را از خلیفه نمی‌گیرد و به توجهات خاص وی نیازی ندارد؛ پس لازم است برای مشروعیت قدرت وی اندیشه‌ای دیگر ارائه دهد. خواجه با اثرپذیری از نظریه پادشاهی ایران باستان، مشروعیت و قدرت پادشاه را ناشی از تأییدات الهی می‌داند. خواجه با طرح نظریه سلطنت و وام خواهی از شاهی آرمانی عناصری از آرمانخواهی ایران شهری را با واقع بینی سیاسی و آموزشهای اسلامی در آمیخت. یکی از همین عناصر نظام شاهی آرمانی که در سیاست نامه خواجه نظام الملک بر آن تأکید بسیار شده است، ارتباط و پیوند وثیق میان دگرگونی جهان هستنی و سرشت شاهی است. خواجه نظام در تبیین نظریه شاهی آرمانی خود با دو تنگنای

اساسی رویرو بوده است، یکی وزیر سلطان سلجوقی بودن و دیگری ارتباط داشتن با نهاد خلافت خلیفه. از این رو تأکید بر شاهی آرمانی، راه برون رفت از این تنگناها می‌نموده، هم از این زاویه که به لحاظ عینی و علمی، نظام خلافت با بحران رویرو بوده و هم از این جهت که خواجه به بی‌کفایتی و ناکاردانی سلاطین سلجوقی آگاه بوده است (صالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

بنابراین می‌توان گفت که خواجه نظام الملک تحول اندیشه سیاسی در ایران را در بستری هدایت کرد که با بازگشت به اندیشه سیاسی ایرانشهری خود آماده ساخته بود. اما آرمان خواهی در اندیشه سیاسی خواجه بتدریج، و در عمل، در برابر واقع بینی سیاسی وی رنگ باخت و جریان عمده اندیشه سیاسی سیاست نامه‌ها در راه هموار سلطنت مطلقه افتاد.

ج: حکمت اشراق (سهروردی): گستره اندیشه سیاسی ایران به اندازه‌ای است که نه تنها فلسفه و سیاست‌نامه، بلکه حکمت اشراق را هم در بر می‌گیرد. وقتی از حکمت اشراق سخن می‌گوییم، بی‌درنگ نام شهاب‌الدین سهروردی ملقب به شیخ اشراق می‌درخشد. حکمت اشراق، طرز تفکر و جهان بینی و شیوه تعقل و جوهر ذوق ایرانی و روح بزرگ فرهنگ اصیل و باستانی ایرانیان را زنده کرد. در اندیشه سهروردی، حکمت حقیقی یا حکمت نوری را باید در مشرق جستجو کرد، اما نه مشرق جغرافیایی؛ مشرق بدان معنی که محل تابش نور حقیقت و وجود باشد. در حقیقت فلسفه وی که به عنوان فلسفه التقاطی (عقل و شهود) می‌توان از آن نام برد در شناخت با ترکیب دو نگرش فلسفی و عرفانی یعنی برهان ارسطویی و عرفان افلاطونی با نگرش اشراقی به شکل قاعده مندی نظام متفاوتی از فلسفه پیش گفته را مطرح می‌سازد. هانری کورین^۱ بازگشت شیخ اشراق به آبخوره‌های حکمت باستانی ایران و تجدید آن حکمت را نه تنها در تعارض با تاریخ تحول اندیشه فلسفی ایرانی در دوره اسلامی نمی‌داند، بلکه گذار و تداوم سنت حکمت باستانی در اندیشه دوره اسلامی را به عنوان “گذار حماسه پهلوانی در حماسه عرفانی” درک می‌کند (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۱۹۰). شیخ شهاب‌الدین سهروردی را می‌توان بزرگترین مفسر مفهوم فر کیهانی در دوره اسلامی دانست و همو با تأسیس حکمت اشراق خود، از تداوم اندیشه ایرانشهری، تفسیری مبتنی بر “حماسه عرفانی” به دست داده است. از این حیث، می‌توان مقام سهروردی در تاریخ اندیشه فلسفی را با جایگاه خواجه نظام الملک طوسی در تاریخ اندیشه سیاسی سنجیده و

^۱ : Hanry Corbon

گفت که آن هر دو به نوعی با تدوین نظام فکری خود گامی بلند در تداوم و استواری شالوده اندیشه ایرانی شهری برداشته اند، مفهوم فره یا نور، مفهوم بنیادین حکمت اشراق سهروردی است و از این رو، تأسیس حکمت اشراق را باید بعنوان یکی از نقاط عطف تداوم اندیشه ایرانی شهری در دوره اسلامی مورد تأمل قرار داد (قربانزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۶).

بنابراین می توان گفت که سیاست و حکومت از دیدگاه شیخ اشراق، مبتنی بر «حکمت» است و رئیس مدینه یا حاکم آرمانی باید حکیم باشد تا قطب جهان هستی شناخته شود و امکان ارتباط و پیوند جامعه را با کائنات فراهم آورد. آیین سیاسی اشراق برای پادشاهان روزگارش این پیام را داشت که اگر خواهان قدرت و فرهی پیشینیان هستند، باید در نزد حکیمی متألّه حکمت بیاموزند؛ و برخی بر این برآوردند که این پیام سیاسی در سرنوشت (کشته شدن او) مؤثر بوده است. قطعاً حکمت اشراقی با توجه به محتوای غنی و تاثیرگذاری شگرفی که در همه اعصار بعد از خود داشته است، برای همه شهرهای امروز و فردا درس هایی ارزشمند و قابل تأمل خواهد داشت.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و با روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای - اسنادی، از منابع دست اول و در اختیار و با شیوه فیش برداری طراحی و تدوین شده است. مبنای چارچوب نظری اندیشه نظام سیاسی ایرانی شهری (تلفیق فلسفه سیاسی فارابی، سیاست نامه نویسی خواجه نظام الملک و حکمت اشراق سهروردی) است. این پژوهش به بررسی متون و آثار سهروردی و منابع تاریخی مرتبط با نظام اندیشه سیاسی ایرانی شهری می پردازد. در این پژوهش از روش تحلیل و تفسیر متن استفاده شده است، تا مفاهیم کلیدی همچون حکمت اشراقی، عدالت و حکمرانی مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرند. همچنین با استفاده از روش مقایسه ای - تطبیقی اندیشه سهروردی با سایر نظریه پردازان مورد تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به بررسی زمینه های تاریخی و فرهنگی مؤثر بر اندیشه سهروردی پرداخته و از منابع دست اول شامل کتابها، مقالات، اسناد تاریخی و منابع اینترنتی بهره گرفته است. هدف از این پژوهش تبیین اندیشه سهروردی از نظام اندیشه سیاسی ایرانی شهری در ایران باستان می باشد. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر بدین خاطر است که اندیشه ایرانی شهری یکی از الگوهای ساختار دولت در اندیشه اندیشمندان قدیمی می باشد که بررسی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد که پژوهش در این خصوص برای پژوهشگران حوزه علوم سیاسی حائز اهمیت ویژه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها (نتایج و یافته‌ها)

- **ماهیت سیاست از دیدگاه سهروردی:** ماهیت نظریه سیاسی سهروردی را باید در ابتدای کتاب حکمه‌الاشراق وی جستجو کرد. شیخ در این اثر بدترین اعصار را زمانی می‌داند که در آن تلاش شخصی وجود نداشته باشد، حرکت اندیشه منقطع و باب الهام بسته و طریق نظر مسدود باشد. به اعتقاد او جهان هیچ‌گاه فاقد فلسفه یا فاقد شخصی که عهده دار حکمت و اقامه دلیل و ارائه توضیحات آن باشد نبوده است. از نظر سهروردی شخص حاکم صرفاً به فرمان خدا می‌تواند حکمران مشروع باشد. نگاه سهروردی به جهان از آسمان به زمین است و وی بر آن است که از مسند مافوق قمر، جهان تحت قمر را در آرامش و ثباتی معنادار به آسمان وصل کند. او تمسک به دنیا را در حد ضرورت مجاز میدانند، ولی ضرورتی که او از آن سخن می‌گوید دایره‌ای بسیار گسترده دارد و به همین دلیل است که وی در جای‌جای مباحث خود انسانها را به تهذیب نفس و سلوک در مسیر الهی سفارش می‌کند و بی‌تفاوتی در دنیا و تن به ظلم و ستم دادن را نکوهش می‌کند. از دید سهروردی، آدمی تنها یک وظیفه راستین دارد و آن غلبه بر طلسم حل نشدنی بشر است. در اندیشه سهروردی «راه شکستن طلسم بشری آن است که به ریسمان حکمت دست آویزی و به علم و عمل راه‌هایی را طی کند (سهروردی، ۱۳۷۳: ۲۰).

- **بنیان‌های تفکر سیاسی سهروردی:** در حقیقت بنیان‌های تفکر سیاسی سهروردی نوعی تدوین نظام سیاسی جدید و پاسخ به طرح سیاسی غزالی و رد دولت‌های مستقر بر مبنای اندیشه شیعی و ایرانی بود. این رهیافت واجد اجزا و عناصری است که ایضا آنها می‌تواند ما را در فهم بنیان‌های تفکر سیاسی سهروردی کمک نماید.

الف: عنصر ایرانی: مؤلفه اساسی سهروردی در تبیین عنصر ایرانی اساس اشراق فلهویون و حکمت خسروانین است. سهروردی در اثر بسیار مهم «المشارع و المطارحات» که بزرگ‌ترین اثر فلسفی او به لحاظ حجم بوده و مقدمه کتاب حکمه‌الاشراق است. در واقع سهروردی هماهنگی و سازگاری انسان و جامعه را با نظام کیهانی لازم می‌داند، چرا که معتقد است در پرتو آموزه هماهنگی با نظام کیهانی، وجود آدمی مشرقی و نورانی می‌شود. سهروردی همانند ایرانیان باستان، وجود را به عنوان «نور» تعبیر می‌کند. مفهوم نور از یک سو، با مفهوم «خره» و از سوی دیگر، با آیات سوره نور در قرآن کریم پیوند پیدا می‌کند. سهروردی گروهی از حکمای ایران باستان را نام می‌برد که از نور و خمیره ازلی برخوردار بوده و این خمیره از طریق آنان به نسل‌های بعد منتقل شده

است. وی در «مطارحات» حکمای فارس را خسروانین نام نهاده و از فریدون، کی خسرو، ابوسهل تستری، با یزید بسطامی، حلاج و ابوالحسن خرقانی نام می‌برد (بنی سی و فرهادی افشار، ۱۴۰۰: ۶۷).

ب: ایرانشهر: اندیشه سیاسی ایرانشهری از زیر مجموعه های اندیشه ایرانشهری است که پیوستگی زیست هویتی و اجتماعی ایران زمین را در درازای سده های طولانی در پی داشته است. اندیشه سیاسی ایرانشهری مکتبی است بر شالوده های اصول جهان آرایی و تدبیر امور کشور در ایران کهن، ساخته می شود. این اندیشه مجموعه ای از آرا، نگرشها و تجربیات سرآمدان جامعه ایرانی را در درازای تاریخ درباره امور بنیادین فرمانروایی و کشور گردانی در بر می گیرد. اندیشه سیاسی ایرانشهری خویش کاری نهاد شهریاری در پاسداشت قوانین طبیعی (اشا) و قوانین حقوقی (داد) بود. "اشا" یا "آرتا" سامان کیهانی و هنجار چیره بر طبیعت بود. پاره ای از فریافت اشا، امروزه در واژه "کارما" نیز دیده می شود. نگهداشت اشا که در واژه "ردیهشت" هم جلوه گر شده است، خویش کاری فرمانروا در ارج گذاری به انسان، طبیعت و نظام چیره بر هستی بود. آشکار است که بهره کشی و برده سازی، قربانی کردن انسان و البته ویران سازی و آلوده نمودن زیست بوم از زمره کارهای "دیوپرستان" بوده اند که در راستای خدشه دار کردن اشا بشمار می رفتند (سلطانی و مسرور، ۱۴۰۳: ۱۳۴).

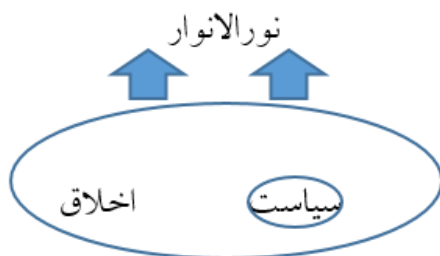
ج: شاهی آرمانی: شاهی آرمانی چنانکه پژوهش گران نشان داده اند، مهمترین عنصر اندیشه سیاسی ایرانشهری است. این اندیشه را همچنین باید اساسی ترین وجه تداوم فرهنگی ایران زمین، در حوزه اندیشه سیاسی دانست. در نوشته های ایرانشهری به عنوان انسانی خداگونه، نماینده و برگزیده خدا بر روی زمین فهمیده می شود. در نظر ایرانیان راستی که معنی آن به «عدالت» نزدیکتر بوده است تا به سخن راست، هماهنگ شدن با نظام اخلاقی و اجتماعی بوده، و ظلم و دروغ، شکستن و بر هم زدن این آئین. آرته آئینی است بی زوال و پایدار که دوام و بقای جهان، نظم و صلح شهر و کشور، و شادی و فرخندگی آدمی در هر دو جهان بسته بدان است. اندیشه راست، گفتار راست و کردار راست، اندیشه و گفتار و کرداری است که با این آئین ها هماهنگ باشد، و کسی که اندیشه و گفتار و کردار خود، یعنی جمیع اعمال حیاتی و فعالیت های روحی و فکری خود را با این نیروی الهی یکی و موافق بسازد، با آن پایدار و بی زوال خواهد گشت و پس از مرگ نیز برآستی پیوسته خواهد بود. بررسی متون دینی و سیاسی، کتیبه ها و سنن ایران باستان جایگاه شاهی آرمانی را به مثابه عنصری کانونی در عمل و اندیشه ایرانیان نشان می دهد؛ به

گونه ای که تمامی وجوه فرهنگی و تمدنی ایران، تحت تأثیر این اندیشه بوده و تقریباً در تمامی متون کهن برجای مانده اشاراتی بدان رفته است. یکی از وجوه اساسی اندیشه شاهی آرمانی، و البته هرگونه آرمانگرایی سیاسی، نفی واقعیت سیاسی موجود است (بستانی، ۱۳۹۴: ۲۱).

د: فره ایزدی یا شوکت: یکی از مهمترین مفاهیم در فلسفه سهروردی، فره یا فره خره است که در آثار او به «خوره»، «فره نورانی»، «فر»، «هیبت نورانی»، «کیان خره»، و «فر کیانی» آمده است. فره ایزدی نخستین بار در دوران هخامنشی و داریوش به کار رفته است؛ هر چند در دوران ساسانی تداوم و گسترش یافته است. فره ایزدی آموزه ای ایرانیست که دو بخش تاریخ ایران زمین را به هم پیوند زده است. در اوستا از دو گونه فر سخن گفته شده است: فر ایرانی و فر کیانی. در دیدگاه سهروردی به نسبت شایستگی دریافت کنندگان، فر دارای مراتب و درجاتی است. کسانی که از عالیترین درجه آن یعنی کیان خره یا فر کیانی برخوردارند می توانند در رأس حکومت قرار گرفته و پادشاه باشند. در حکمت خسروانی فر عامل مقبولیت و مشروعیت اجتماعی و سیاسی افراد است؛ درجه های شدت و ضعف و مراتب دارد و عالی ترین نوع آن کیان فر یا فر کیانی است. فره در همه درجه ها و مراتبش از اضوای مینوی و نور قاهر است؛ یعنی جلوه ای از صفت و نام قاهریت و قدرتمندی خداوند است که به بندگان مورد لطف و نیک منش او تعلق می گیرد (علیخانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

ه: کیخسرو: کیخسرو هشتمین شهیار کیانی، مقامی ارجمند و بی نظیر در اندیشه ایرانی شهری، در هر دو روایت ملی و دینی، به خود اختصاص داده است. کیخسرو همواره به عنوان الگوی شاه آرمانی مطرح بوده و مسلمان و گاه متعصبان اهل سنت و جماعت نیز او را الگوی شهریاری دانسته اند. در تمامی نوشته ها از کیخسرو به عنوان پادشاهی عادل، مردم دوست، شجاع، جوانمرد، حکیم، خداپرست، بختیار، پیروز و رستگار یاد شده است. کیخسرو برای فردوسی الگوی کامل پادشاهی آرمانی و برخوردار از هر چهار عنصر نژاد، گوهر، فر و خرد است. شاه آرمانی دیگری که سهروردی به وی اشاره کرده، هشتمین شهیار کیانی، یعنی کیخسرو، است که مقامی ارجمند و بی نظیر در اندیشه ایرانی شهری، در هر دو روایت ملی و دینی، به خود اختصاص داده است. کیخسرو همواره به عنوان الگوی شاه آرمانی مطرح بوده است و نویسندگان مسلمان و گاه متعصبان اهل سنت و جماعت نیز او را الگوی شهریاری دانسته اند (بستانی، ۱۳۹۴: ۲۸).

- جایگاه سیاست و اخلاق از نگاه سهروردی: جایگاه فضایل اخلاقی در حیات اجتماعی بشر از دیرباز و بر اساس تاریخ تحول و تطور اندیشه های اجتماعی و مدنی از اعتبار و آفری برخوردار بوده است. اهتمام به این مقوله مهم در زندگی فردی اجتماعی را در ادبیات و میراث فکری بازمانده از تمدنهای نخستین می توان ردیابی نمود. اخلاق و شاخص های اخلاقی و نسبت آموزه های اخلاقی با امور اجتماعی و سیاسی در میراث فکری شرق و غرب از زوایای مختلف مورد توجه و مذاقه واقع شده است (احمدی طباطبایی و موسوی نیا، ۱۳۹۹: ۱۳۸). سهروردی کسی را که هم اهل استدلال و هم وارسته و دل پاک باشد، کامل ترین حکیم معرفی می کند، اما کسی را که اهل بحث و استدلال است و دلش مهذب و وارسته نیست، انسان ناقصی می داند. سهروردی شرف و فضیلت واقعی انسان را در حکمت خلاصه می کند و تنها حکما را شایسته خلافت الهی می داند (علیخانی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). فلذا در باب نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سهروردی و کیفیت تأثیرگذاری زمینه های مؤثر بر وی که بیشتر، فکری و سیاسی و اجتماعی بوده است، می توان بیان داشت با توجه به اصالت خودسازی فردی و لزوم ارتباط معنوی و مستقیم انسان با خداوند و همچنین اهمیت دوچندان این وظیفه برای حاکم مد نظر سهروردی، نسبت اخلاق و سیاست در نگاه شیخ اشراق، نه از جنس تساوی است، نه از جنس تباین است و نه از جنس رابطه عموم و خصوص من وجه، بلکه سیاست از نگاه وی، زیرمجموعه اخلاق است و رابطه عموم و خصوص مطلق با اخلاق دارد (احمدی طباطبایی و موسوی نیا، ۱۳۹۹: ۱۵۸).



نتیجه گیری

شیخ اشراق سهروردی یک قرائت جدید مبتنی بر قرائت عرفانی - اشراقی از اندیشه سیاسی ایرانشهری ارائه نموده است که در این قرائت جدید عالم خیال به عنوان یکی از ابتکارات سهروردی نقش مهمی دارد. درعین حال جنبه های اسطوره ای و حماسه ای روایت های کهن در

اندیشه ایرانی‌شهری در این قرائت جنبه عرفانی به خود می‌گیرند. در اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری، درک خاصی از سیاست ارائه می‌شود که با سنت فلسفی اندیشه سیاسی که ریشه در تأملات حکمای یونانی دارد، متفاوت است. در تاریخ ایران از دوران باستان تا دوره اسلامی (و حتی تا دوران معاصر)، این سنت تداوم پیدا کرده و به صور مختلف بازتولید شده است. سهروردی، بین نظام اشراقی خود و حکمت ایران باستان، رابطه‌ای برقرار کرده و سنت اندیشه کهن ایرانی را با سنت معنوی و حکمی دوره اسلامی مرتبط می‌سازد. او درک ویژه‌ای از استمرار مثالی ایران دارد و تاریخ معنوی او که شرح انتقال مثالی خمیره خسروانی حکمت است، شامل بر عواملی از حکمای متأله که از ایران باستان تا دوره اسلامی را در نظر می‌گیرد. سهروردی با بهره‌گیری از حکمت اشراقی و مفاهیم عرفانی، توانسته است یک نظام اندیشه سیاسی منسجم و نو را ارائه دهد که در آن عدالت و حکمرانی عادلانه به عنوان اصول بنیادین مطرح می‌شوند. سهروردی با تکیه بر میراث فرهنگی و فلسفی ایران، به بررسی چگونگی ارتباط میان حاکمان و مردم پرداخته نشان می‌دهد که چگونه ارزشهای اخلاقی و معنوی می‌توانند در شکل دهی به یک نظام سیاسی عادلانه و پایدار تاثیر گذار باشند. این نظریه نه تنها به غنای ادبیات سیاسی در ایران کمک می‌کند، بلکه به عنوان الگویی برای مواجهه با چالشهای موجود در حکمرانی و سیاست گذاری موثر واقع شود.

علاوه بر این تحلیل سهروردی از نظام اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری به ما این امکان را می‌دهد که درک بهتری از تعاملات میان فلسفه، عرفان و سیاست در تاریخ و فرهنگ ایران داشته باشیم. سهروردی با تاکید بر اهمیت نور و حقیقت در حکمرانی، یاد آوری می‌کند که سیاست بایستی فراتر از قدرت و منافع شخصی باشد و به دنبال تحقق عدالت و خیر عمومی برای مردم باشد. بنابراین این یافته‌ها و نتایج می‌توانند به ایده پردازان، پژوهشگران و سیاست گذاران حال حاضر کمک نموده تا با نگاهی نو به مسائل اجتماعی و سیاسی، راهکارهای موثر برای بهبود وضعیت کنونی ارائه دهند و از آموزه‌های این فیلسوف در راستای ایجاد یک نظام اجتماعی عادلانه و متوازن و پویا بهره برداری نمایند. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهند که در سهروردی تفسیرهای ویژه‌ای از وجوه آرمانی اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری ارائه می‌کند. وی تلاش می‌کند اندیشه‌شاهی آرمانی را بر مبنای حکمت اشراقی خویش، بازسازی و آن را در ساحت باطنی و رمزی جدیدی ارائه کند. در این ارائه اشراقی، «عالم خیال» جایگاه ویژه‌ای دارد و اساسی برای گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی محسوب می‌شود. سهروردی با تلفیق حکمت اشراقی و

میراث فرهنگی ایران باستان، توانسته است اصول بنیادین را در زمینه حکمرانی و عدالت تعریف نموده و به طور ویژه بر مبنای ارزشهای اخلاقی و معنوی استوار بماند. سهروردی به عنوان یک فیلسوف سیاسی نه تنها به تفسیر و تحلیل چالشهای زمانه خود پرداخته، بلکه الگوها و اصولی را برای حکمرانی متوازن و عادلانه ارائه داده که می تواند در زمان حال نیز راهگشا باشند.

منابع

- احمدی طباطبائی، سید محمدرضا و موسوی نیا، سید مهدی (۱۳۹۹). زمینه‌های موثر بر نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سهروردی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۲۲، ۱۶۱ - ۱۳۷.
- بستانی، احمد (۱۳۹۰). سهروردی و اندیشه سیاسی ایرانشهری. پژوهش سیاست نظری، ۱۰(۲)، ۳۶ - ۱۹.
- بستانی، احمد (۱۳۹۴). سهروردی و اندرزنامه نویسی اشراقی. سیاست متعالیه، ۳(۱۰)، ۳۸ - ۲۱.
- بنی سی، پریناز و فرهادی افشار، پرینان (۱۴۰۰). اندیشه‌های تربیتی سهروردی. اولین همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی، تهران، آبان، ۷۸ - ۶۴.
- زمانی، سید صادق (۱۴۰۴). از ساحت نور تا سپهر پدیدار، رهیافتی تحلیلی در بنیان‌های ادراک در سهروردی و هرسول. اندیشه فلسفی، ۵(۳)، ۳۹۹ - ۳۸۵.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۳). مجموعه مصنفات شیخ الإشراق یزدان شناخت. المجلد الثالث، مصحح هنری کرین، انتشارات نشر آرین.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۷). حکمت سیاسی در ایران باستان بر مبنای خوانش سهروردی. پژوهش نامه علوم سیاسی، ۱۳(۱۴)، ۱۵۸ - ۱۳۵.
- قادری، حاتم (۱۳۸۲). اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- قربانزاده، محسن؛ شاد منامن، محمدرضا؛ ماحوزی، مهدی و ذاکری، احمد (۱۴۰۱). تجلی حکمت خسروانی «سهروردی» در ذهن و زبان مهدی اخوان ثالث «امید». عرفان اسلامی، ۱۹(۷۳)، ۲۴ - ۱.
- کریمی، محمد طاهر (۱۴۰۴). سازگاری ملاک تشخیص در اندیشه ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا. اندیشه فلسفی، ۵(۴)، ۷۱۴ - ۷۰۳.
- صالحی، بهروز (۱۳۸۳). آموزه هماهنگی جامعه با نظام هستی در اندیشه سیاسی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۰۰-۱۹۹، ۱۹۵-۱۸۲.
- طباطبائی، سید جواد (۱۳۸۳). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات کویر.
- طباطبائی، سید جواد (۱۳۸۲). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات کویر.
- سلطانی، اسحاق و مسرور، محمد (۱۴۰۳). نسبت فلسفه تاریخ و سیاست در اندیشه ایرانشهری. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۶(۳)، ۱۴۵ - ۱۲۳.

Baharucha, Ervad (1893), Zoroastrian Religion and Costume, Chicago: Held.

- Gutas D (2014). Avicenna and the Aristotelian tradition: Introduction to reading Avicenna's philosophical works. Including an inventory of Avicenna's authentic works. Leiden: Brill.
- Kalin I (2010). Knowledge in later Islamic philosophy: Mulla Sadra on existence, intellect, and intuition. New York: Oxford University Press.
- König, Götz (2020), Studies on the History of Rationality in Ancient Iran III: Philosophy of Nature, in "zaraθuštrōtəma; Zoroastrian and Iranian Studies in Honour of Philip G. Kreyenbroek" Edited by Shervin Farridnejad, Leiden: Brill.
- Motameni, Ahmad R (2014), Iranian Philosophy of Religion and the History of Political Thought, Doctoral dissertation, University of California, Political Science.
- Nasr, Seyyed Hossein and Oliver Leaman (2001), History of Islamic Philosophy, London and New York: Routledge.
- Suhrawardi SADY (1993). The collected works of Sheikh al-Ishraq (Volume 1, TALWIHAT). Corbin H, Habibi N, Nasr H, editors. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [Arabic]
- Ziai H (2004). Suhrawardī on knowledge and the experience of light. In: Adamson P, Taylor RC, editors. The Cambridge companion to Arabic philosophy. Cambridge: Cambridge University Press. p. 147-169.
- Ziai H (2020). The illuminationist tradition. In: Nasr SH, Leaman O, editors. History of Islamic philosophy. London: Routledge. p. 465-496.